

کارکرد مراکز علمی فاطمیان مصر در توسعه اندیشه و تفکر مذهب اسماعیلی

دکتر داریوش موگویی

هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز قادرآباد، فارس، ایران

دکتر محمد باقر خزائیلی

هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز قادرآباد، فارس، ایران

پروین نعمت الهی (نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی مرکز قادرآباد، فارس، ایران

P.nematollahi.53@gmail.com

چکیده

با شکل گیری حکومت فاطمیان در سال ۲۹۷ه.ق، فاطمیان تمام سعی و تلاش خود را برای پی ریزی و شکل گیری یک ساختار عظیم علمی و فرهنگی که در خدمت اندیشه دینی باشد به کار گرفتند. آنها برای تحقق این هدف، مراکز آموزشی و پژوهشی فراوانی مانند مساجد، کتابخانه و مدارس تأسیس کردند و امکانات مادی و معنوی بسیاری را در این مسیر صرف نمودند و حتی برای استفاده از توان علمی موجود در سایر مناطق اسلامی، عالمان و دانشمندان دیگر سرزمین ها را به دربار خود دعوت نمودند. نتیجه این تلاش های بی وقفه، شکل گیری کانون های علمی و فرهنگی بی شماری در قلمرو فاطمیان گردید. به گونه ای که میراث عظیم علمی فرهنگی و تمدنی این کانون ها، دوره طلایی را در قرن (۴-۵) برای فاطمیان رقم زد. میراثی که نه تنها تاثیر، خود را در این اعصار بلکه در قرون بعدی نیز نشان داد.

واژگان کلیدی: فاطمیان، مراکز فرهنگی، اندیشه دینی، دارالحکمه

مقدمه

خلفای فاطمی از سال (۲۹۷ه.ق) به مدت تقریبی دو قرن بر بخش بزرگی از شمال آفریقا، خاورمیانه و دریای مدیترانه حکومت کردند. آنها دارای مذهب شیعه اسماعیلی و خود، پیشوایان شیعه اسماعیلی نیز بودند و نام سلسله آنان به جهت انتساب به فاطمه زهرا(س) به فاطمی نامگذاری شد. فاطمیان در زمینه های سیاسی و اقتصادی تا مدت ها رقیب خلفای عباسی بودند. ولی به دلایل مختلف به خصوص دشمنی قرمطیان بحرین که از اسماعیلیان جدا شده بودند. هرگز نتوانستند اقتدار سیاسی خود را رسماً به سرزمین های شرق شام گسترش دهند. با این حال، خلافت فاطمیان که در شمال آفریقا بنیان گردیده بود به زودی به سیسیل، مصر، فلسطین و سوریه گسترش یافت و در دوران حکومت هشتمین خلیفه فاطمی، المستنصر بالله به اوج قدرت خود رسید.

فاطمیان از ابتدای حکومت خود در مصر، همزمان با تثبیت قدرت به فعالیت های علمی و فرهنگی پرداختند؛ زیرا افزون بر این که یکی از پایه های اساسی استمرار قدرت و اقتدار، علم و تقویت فرهنگ عمومی با رویکردی عالمانه است، برای جلوگیری از انفعال در برابر دو رقیب سیاسی و علمی (بنی عباس و آل بویه) باید استقلال علمی و متکی به فرهنگ غنی بومی خویش را تقویت می کردند. این مسئله ای بود که فاطمیان به خوبی بدان آگاهی داشتند و اقدامات علمی و فرهنگی آنها در مصر کاملاً این نظر را به اثبات می رساند... در چنین شرایطی بود که دوران فاطمیان، عصر طلایی فرهنگ و هنرها و صنایع شد، به گونه ای که به گفته مازوت (Sibylle Mazot) قاهره در این ایام با کنار گذاشتن بغداد و قسطنطنیه به مرکز اصلی تولید مصنوعات گران قیمت و ارزشمند تبدیل شد. پایتخت مصر به شکل ماهرانه ای از پتانسیل قابل توجه هنری و اقتصادی سواحل مدیترانه بهره برداری کرد، جایی که مبادلات فرهنگی و اقتصادی برای قرن ها ادامه یافته بود. علاوه بر اینها، شهر قاهره نه تنها امپال تجملی طبقه حاکم را راضی نگه می داشت، همچنین اکثر نیازهای روزمره بخش مرفه جامعه شهری را نیز برآورده می کرد.

بر همین اساس، پژوهش حاضر بدنبال طرح این پرسش است که آیا مراکز علمی فاطمیان مصر در توسعه اندیشه و تفکر مذهب اسماعیلی تاثیر گذار بوده و در صورت مثبت بودن، این

تأثیرگذاری چگونه صورت گرفته است؟ فرضیه‌ای که می‌توان برای پرسش فوق بیان داشت این است که فاطمیان دولتی بودند که به گسترش علم و هنر و بازرگانی علاقه فراوانی نشان می‌دادند. طی این دوره که عصر طلایی تفکر و ادبیات اسماعیلی بود، مراکز بی‌شمار علمی شکل گرفت و داعیان و متکلمان اسماعیلی، کتاب‌ها و رسایل زیادی در علوم مختلف تألیف کردند که جنبه‌های بارز آن تکیه بر اندیشه دینی اسماعیلیان بود.

الف- دارالعلم (دارالحکمه)

تلاش‌های بارز فاطمیان در قلمرو فرهنگ و آموزش، در دارالعلم (دارالحکمه) که بوسیله الحاکم تاسیس و رسماً در روز شنبه دهم (جمادی الاخر سال ۳۹۵ق) افتتاح گردیده بود، تمرکز یافت. انطاکی، ، ۱۹۹۰: ص ۲۵۸) مؤسس دارالحکمه (الحاکم) قصد داشت در قاهره مؤسسه‌ای صرفاً علمی و مشابه "بیت‌الحکمه" مأمون ایجاد کند؛ همین امر او را برانگیخت با فراهم کردن امکانات لازم در آنجا، علمای علوم مختلف از جمله قُرّاء، منجمان، نحویین و اطباء را گرد آورد. از این رو تعداد زیادی از کتابهای موجود در خزانه‌های قصر، به این مرکز منتقل شد و در اختیار علما و عموم مراجعه‌کنندگان قرار گرفت. ظاهراً بر همین اساس بود که عنوان "دارالحکمه" به آن اطلاق شد. به عبارتی دیگر، هدف خلیفه از ایجاد این مؤسسه فاطمی آن بود که با دادن آزادی ابراز عقیده به پیروان اهل سنت که اکثریت مصریان را تشکیل می‌دادند، از شدت اعتراضات آنان بکاهد. در واقع یکی از دلایل تاسیس دارالعلم مماشات با عقاید اهل سنت بود. بدین صورت که آنها می‌توانستند آزادانه در این مکان اظهار نظر کنند. اگرچه بعد از مدتی این هدف تعقیب نشد. جودکی، ۱۳۷۶: ص ۹۴) در این مجموعه ی عظیم، بخشهای مختلف مانند: کتابخانه، سالن مطالعه، محل‌های سخنرانی برای محدثان، فقهاء، ادیبان، پزشکان، منجمان، منطق‌دانان و ریاضیدانان... قرار داده شده بود. الحاکم استادانی را در آنجا به تدریس گماشت که برای مردم، دانش‌های مختلف را تدریس می‌کردند. استادانی از قبیل اخترشناسان، پزشکان، قاریان، مدرّسان نحو و لغت و نیز خزانه داران و خدمتگزاران و فراشانی را در آن به کار گماشت و برای فقها و دانشمندانی که جهت جلوس و تدریس در آن، معین شده بودند، حقوق و مقرری در نظر گرفت و آنچه مردم بدان نیاز

داشتند از قبیل مرکب و دوات و قلم و کاغذ، به فراوانی در اختیارشان گذاشت. (Nakhlu Zatul

(Akmam, A.T.M. Shamsuzzoha: 2013.pp21-32

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که دارالعلم، علاوه بر اینکه محلی برای تربیت فقهای اسماعیلی بود، به عنوان مرکزی برای طرح ریزی و تدوین مواد تبلیغی مذهب اسماعیلی و سازماندهی دعوت نیز به شمار می‌رفت. (عش، ۱۳۷۲، ص ۱۱۲) آنچه گفته شد را شاید بتوان با این مثال تایید کرد که یکی از بزرگان رجال دعوت اسماعیلی، یعنی داعی الدعاه، المؤید فی الدین هبه الله شیرازی در سال (۴۷۰ ق) در آنجا مدفون گردید. (مقریزی، ۱۲۷۰ ق: ص ۴۶۰)

در دوره خلافت طولانی المستنصر (۴۸۷-۴۳۷) که نهاد دعوت به توسعه چشمگیری نایل آمد، رئیس این نهاد برجسته ترین داعی الدعات اسماعیلی و نویسنده توانا و پرکار صاحب نام فاطمی، المؤید فی الدین ابونصر هبه الله شیرازی بود. کاردانی و تسلط او بر کیش اسماعیلی موجب شد تا امیر بویی ابوکالیجار به کیش اسماعیلیه متمایل شود. (شیرازی، ۱۹۹۶: ص ۲۷-۲۵) محصول سفرهای پرمجازی او به نواحی مختلف گرویدن گروههای متعدد به کیش اسماعیلی شد. نقش رهبرانه و مرشدانه ابونصر در ارتباط با ابوالحارث ارسلان بساسیری غلام ترک نژادی که در طی سالهای حکمرانی در عراق به مقام امیری نایل آمده بود، (جان احمدی، ۱۳۸۵: ص ۷۵-۹۸) بسیار حایز اهمیت است. بسیاری از محققان باور دارند که داعی الدعاه المؤید فی الدین نقش مهم و تعیین کنندهای را در تهییج و ترغیب بساسیری ایفا نموده است. (شیرازی، ۱۹۹۶: ص ۴۷-۴۲) المؤید همزمان با دارا بودن منصب داعی الدعاتی، رئیس مرکز علمی دارالحکمه نیز بود. (ابن میسر، ۱۹۱۹: ص ۱۰-۹)

به هرحال دارالعلم به عنوان مرکزی که روزگاری یکی از نهادهای تبلیغی-آموزشی مهم اسماعیلیه و دستگاه فاطمی به شمار می‌رفت، با وجود سستی‌هایی که در دوره متأخر فاطمیان بدان راه یافت، کمابیش به حیات خود ادامه داد تا اینکه با برافتادن فاطمیان به وسیله صلاح الدین ایوبی در سال (۵۶۷ ق) به حیات و فعالیت این مؤسسه نیز پایان داده شد. (ابن میسر، ۱۹۱۹: ص ۹۵)

ب- مساجد

مسجد در دوره حیات نبوی، در کنار کارکردهای دینی و مذهبی، کارکردهای سیاسی - اجتماعی و علمی - فرهنگی نیز داشت. مسجد در دوره خلافت خلفای راشدین، امویان و عباسیان، با فراز و نشیب هایی همچنان کارکردهای خود را حفظ کرده بود. در دوره فاطمیان در مصر، مسجد در کنار دیگر فعالیت های سیاسی، اجتماعی، عبادی همچون رسیدگی به امور قضایی، حسبه، نظارت و رسیدگی به بازار و مسئله جهاد به عنوان یک نهاد آموزشی، امر تعلیم و تربیت مسلمانان را نیز برعهده داشت. (جان احمدی، ص ۱۳۸۷: ص ۱۳۹) در دوران خلافت فاطمیان، شاید به جرات بتوان گفت که خلفا، وزیران و عالمان دینی از تمام فضاهای موجود برای تعلیم و تربیت و گسترش علم و دانش بهره می بردند و در این میان، مسجد برای فاطمیان به لحاظ دینی و مذهبی از جایگاه بسیار خاصی برخوردار بود. همانگونه که اشاره رفت این مکان علمی - مذهبی در دوران حاکمیت فاطمیان نیز مورد توجه واقع شد و به عنوان مهم ترین مرکز نشر فرهنگ شیعی به خصوص فرهنگ اسماعیلی مورد بهره برداری قرار گرفت. (خضر احمد، بی تا: ص ۱۳۸-۱۳۹). در بیشتر مساجد جامع مصر، فعالیت علمی و کلاس های درس و بحث برقرار بود. الحاکم برای هشتصد و سی مسجد، ماهیانه ۹۲۲۰ درهم مقرر گردانید و دوباره برای هر مسجد ۱۲ دینار عطیه می داد. (باشامبارک، ۱۹۸۰: ص ۴۹) در سه شهر مهم قاهره، فسطاط و اسکندریه بیشترین تجمع علمی صورت گرفته بود که مهم ترین آن مسجد الازهر بود.

مسجد الازهر در عصر خلفای فاطمی، مرکز مهم فرهنگی و مجمع علمی دانشمندان به ویژه فقهای شیعه به شمار می رفت. این مکان در ابتدای امر، مسجدی ساده بود، ولی بعدها به دانشگاهی تبدیل شد که دانشجویان و طالبان علم از اطراف و اکناف جهان اسلام به آن روی می آوردند. بنای این جامع همزمان با بنیاد شهر قاهره در سال (۳۶۱ ه.ق) بود. الازهر از دوران عزیز به صورت یک مرکز علمی واقعی همانند دانشگاه درآمد. به فرمان عزیز در سال (۳۷۸ ق) برنامه آموزشی جامعی برای الازهر تنظیم گردید و استفاده از آن تنها موقوف بر تعلیم گردید. این جامع یکی از پایگاههای اساسی آموزش فرهنگ شیعی تا تأسیس دارالعلم بود. (دفتری، ۱۳۸۶: ص ۲۰۲) با تأسیس دارالعلم بسیاری از پیشوایان علمی و مذهبی از جامع الازهر کناره گیری کردند و به

دارالعلم پیوستند. این مسئله موجب برتری موسسه نوبنیاد دارالعلم بر جامع الازهر گردید. در دوران حضور دارالعلم در مصر به درستی رابطه الازهر و دارالعلم مشخص نیست. با مقایسه دروس تدریسی در دو مرکز این تفاوت را می توان قائل شد که آن دسته از طلبه هایی که به مباحث فقهی و علوم لسانی و شرعی علاقه مند بودند، در الازهر تحصیل می کردند و آنانی که به درک و فهم و فلسفه و جنبه های باطنی مذهب تمایل داشتند در دارالعلم درس می خواندند. (جودکی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱) آغاز دعوت اسماعیلی در الازهر به سال (۳۶۵ق) بود. در صفر همین سال، قاضی علی بن نعمان در جامع، جلوس کرد و کتاب «مختصر» پدرش را معروف به «الاقتصار» در فقه بر جمعی بزرگان املا و نام های حاضران در آن جلسه را ثبت نمود. (مقریزی، ۱۹۶۷-۱۹۷۳، ص ۳۴۱؛ همو، ۱۹۶۷-۱۹۷۳: ص ۲۲۷) این نخستین حلقه درس در جامع الازهر بود. معز پس از استقرار در مصر به گسترش مراکز تعلیمی اسماعیلیه همت گذاشت. در این راستا، مهمترین مرکز علمی قاهره، یعنی جامع الازهر در خدمت دعوت اسماعیلی قرار گرفت. الازهر برای گسترش مذهب اسماعیلیه و نشان دادن آن به جای تسنن رایج در بین مصریان ساخته شد. این مرکز به عنوان جامع رسمی فاطمیان نماد حیات آیین اسماعیلی در مصر بود. (بادکوبه، و همکاران، ۱۳۸۷: ص ۲۷)

معز بر آن بود از طریق این مرکز فقیهانی را تربیت کند تا بتوانند مردم را در یک فرایند زمانی و بدون فشار به جایگزین کردن اصول فقهی شیعی اسماعیلی به جای اصول فقهی سنی متمایل کند. (داج بایارد، ۱۳۶۷: ص ۱۱) همانگونه که گفته شد این مرکز به عنوان مرکز جامع اصلی قاهره در سال (۳۶۳ق) افتتاح شد و در سال (۳۷۸ق)، شاهد نخستین کوشش، برای برقراری درس منظمی در الازهر بود. بدینگونه که ابن کلس وزیر، سی و هفت فقیه را برای الازهر، تعیین کرد که «ابویعقوب قاضی الخندق»، عهده دار ریاست آنها بود. ایشان در هر جمعه بعد از نماز، در جامع، حلقه می زدند و تا هنگام عصر به گفتگو با یکدیگر می پرداختند. خلیفه العزیز برای ایشان مقرری های ماهانه ای ترتیب داد و در جوار جامع، خانه ای به سکونتشان اختصاص داد. (قلقشندی، ۱۹۱۲-۱۹۳۸، ص ۳۶۳؛ مقریزی، ۱۹۶۷-۱۹۷۳، ص ۲۷۳؛ ۳۴۱؛ عدنان، ۱۹۵۸: ص ۴۴-۴۳) مقریزی می

گوید: «این نخستین باری بود که در مصر و در جامع، درسی با مستمری جاری، از سوی سلطان، برگزار می گردید». (مقریزی، ۱۹۶۷-۱۹۷۳: ص ۳۶۳)

کلاس‌هایی که در جامع بر پا می شد در ابتدا اختصاصی بود، اما دو سال بعد، ابن کلس که فقیهی اسماعیلی بود، برای تشویق و جذب بیشتر دانش پژوهان و طلاب، خلیفه را بر آن داشت تا این کلاس‌ها را همگانی کند و الأزهر را به صورت «جامع» در آورد. وی در کنار مردان برای زنان نیز کلاس‌های فقهی ترتیب داد. قرائت قرآن، تفسیر، فقه، ادبیات و حدیث نخستین درس‌هایی بودند که در جامع علمی الأزهر برقرار شد. دیری نپایید که رشته‌هایی همچون نجوم، هیئت، ریاضیات، طب، منطق و فلسفه نیز بر آن افزوده گردید. ابن هیثم از علمای بزرگ عصر فاطمی است که نجوم، هیئت و ریاضیات را در الأزهر تدریس می کرد و تا آخر عمرش به استنساخ و تصنیف این علوم در آن مرکز علمی پرداخت. (Nakhlu Zatul Akmam, A.T.M. Shamsuzzoha:p21-32) در کنار الأزهر، جامع‌های دیگری به مانند جامع الظاهر و جامع أقمر، جامع عمرو بن عاص (جامع عتیق)، جامع الحاکم (جامع راشد)، جامع العطارین، جامع الأقم، مسجد طرطوشی بودند که در آنها علاوه بر انجام امور عبادی، فعالیت‌های علمی نیز صورت می گرفت.

ج- منازل علما

یکی دیگر از مراکز علمی و فرهنگی در خدمت اندیشه دینی فاطمیان، خانه علما بوده است. علمایی که به آموزش و مسائل فرهنگی اهمیت فراوان می دادند، در منازل و خانه‌ی شخصی‌شان به تدریس علوم و تربیت شاگرد و گردهمایی دانشجویان و فرهنگیان اقدام می نمودند. بیشتر داعیان فاطمی از علما و بزرگانی بودند که همراه با تبلیغ مذهب اسماعیلی، اصول فقه و مبانی اعتقادی اسماعیلی را به طلاب آموزش می دادند، و بدین سبب طالبان این علوم را به خانه‌های خود دعوت می کردند و کرسی درس و بحث داشتند. به عنوان نمونه، می توان از یعقوب بن کلس وزیر العزیز بالله، خلیفه فاطمی نام برد که ایشان علاوه بر اینکه شخصیت علمی و فرهنگی زمان خودش بوده و تالیفات زیادی داشته، خانه اش مامن انجمن دانشجویان بوده، که طالبان علم در

آنجا جمع می‌شدند. چنانکه خود وی برای حاضران «الرساله الوزیریّه» را که در باب فقه اسماعیلی تألیف کرده بود و شامل مسموعات وی از المعز و العزیز می‌شد قرائت می‌کرد. (ابن الصیر، ۱۹۹۰: ۴۹-۵۰؛ ابن خلّکان، ۱۹۶۲-۱۹۷۲: ص ۳۰) مثال دیگر، ملک بن مالک در عهد مستنصر از یمن به مصر آمد و به دستور خلیفه درخانه المؤید فی‌الدین شیرازی مسکن گزید و علوم اهل بیت را از وی آموخت. (ورنالکم، ۱۳۸۳: ص ۱۲۸) ناصر خسرو نیز در مدت سه سال اقامت خویش در قاهره تحت تعلیم و تربیت مؤید قرار گرفت و به عنوان یک داعی تربیت شد. (مقریزی، ۱۹۶۷-۱۹۷۳: ج ۲، ص ۵۲-۵۷)

علاوه بر علمای اسماعیلی، سه گروه دیگر نیز، مجالس درس و بحث در منزلشان برگزار می‌کردند، یک گروه علمای اهل سنت بودند که به دلیل عدم پذیرش اجتماعی در جامعه شیعی ناچار بودند در منازل، کرسی درس و بحث داشته باشند. (ابن خلّکان، ۱۹۶۲-۱۹۷۲: ص ۲۹۶) گروه دوم، طبیبان بودند، که به مقتضای علم طب و عدم امکان تدریس در مساجد، مکان تدریس آنها در منازل طبیبان بود؛ مانند حکیم مبشر بن فاتک، طبیب مشهور که تعلیم طبابت را در منزلش انجام می‌داد. (یاقوت الحموی، ۱۹۹۳م: ص ۲۲۷۱). گروه سوم، بانوان اندیشمند بودند که با توجه به رعایت نکات اخلاقی، کرسی درس و بحث را در منزل برپا می‌کردند. از معروف ترین این بانوان می‌توان به الخفره بنت المبشر بن فاتک (۵۲۸ ق) در فسطاط (حافظ السلفی، ۱۴۱۴ ق-۱۹۹۳ م: ص ۸۲) و محدثه خدیجه (۵۲۹ ق) و خواهرش ترفّه (۵۳۴ ق)، دختران محدث ثقه اُبی العباس الرازی در اسکندریه اشاره کرد (حافظ السلفی، ۱۴۱۴ ق-۱۹۹۳ م: ص ۶۵، ۸۲، ۸۳)

د- قصرهای خلفا و اشراف

قصر خلفا و اشراف و بزرگان همچون مدرسه در خدمت اندیشه دینی فاطمیان بود. به عنوان مثال؛ مجالس الحکمه به طور عمده در قصر خلیفه، در یکی از اتاق های کاخ برگزار می‌شد. (مقریزی، ۱۹۶۷-۱۹۷۳: ج ۲، ص ۲۶۰) قاضی نعمان این مجالس را خود و ظاهراً بعد از مجالس عمومی مربوط به ظاهر در مسجد، اداره می‌کرد. همه تقریرات و تعلیمات او نخست در این

مجالس، به تصویب و تأیید امام و خلیفه می رسید. (مقریزی، ۱۹۶۷-۱۹۷۳: ج ۲، صص ۷۹-۱۵۸-۲۰۸-۲۸۱....)

درباره این فعالیت ها خود قاضی نعمان چنین گزارش می دهد: «چون المعز لدین الله در رحمت به روی مؤمنان گشود، برای من کتاب هایی متضمن علم باطن فرستاد و فرمود که آنها را مادام که زنده است، هر روز جمعه، در اتاق مجلس در کاخ او برای مردم قرائت کنم . جمعیت زیاد بود، ایوان بیش از حد گنجایش پر می شد و مردم بیشتر از آن بودند که بتوان جا بر ایشان تدارک دید . آن ها ایوانی را که برای این مجلس تعیین شده بود و حتی قسمتی از صحن کاخ را پر می کردند . از این رو، صدای من به کسانی که در عقب ایستاده بودند نمی رسید . این امر را به سمع امام رسانیدند و به وی خبر دادند که در میان پیروان دعوت، کسانی هستند که جدیدند و به دشواری، قادر به فهم درک توضیحاتی که داده می شود، هستند. اگر این ها را جدا کنند و اتاق دیگری بدا نها اختصاص دهند و درس هایی درخور فهم دریافتشان تقریر شود، فایده بیشتری خواهند برد . اما امام به قاضی خبرداد که مجلس را مانند قبل ادامه دهند؛ زیرا هر کس به قدر فهم و ظرفیت خود، از این تقریرات فایده می گیرد . مانند ظرفی که در زیر باران گذارند به اندازه فراخی دهانه اش، قطرات باران در آن خواهد ریخت. (مقریزی، ۱۹۶۷-۱۹۷۳: ج ۲، صص ۳۸۸-۳۸۶)

ه- کتابخانه های فاطمی

با توجه به ضرورت عصر، کتابخانه های مسلمانان از همان آغاز ظهور اسلام، مثل کتابخانه های روم، مصر و بین النهرین (باستان) شروع به کار کرد. با آغاز رسالت حضرت محمد (ص)، یک دوران تازه در زمینه ی علم و دانش در اسلام پدیدار شد. از آن روزی که رسالت پیامبر(ص) شروع شد، تمدن اسلامی به جریان افتاد و چندین مؤسسه در کشورهای مسلمان تاسیس گردید و همین موضوع باعث تغییر و نوسازی در افکار متفکران و اندیشمندان در حوزه های مختلف و مرتبط با این مؤسسات شد. بعد از این دوران، وقتی که مسلمین به ادبیات فارسی و علوم یونان باستان نزدیک شدند، کتابخانه اسلامی کار خود را در قرن (اول هجری/هفتم میلادی) آغاز کرد. برای کسب و فراگیری علوم نوین، کتابخانه های مسلمانان در بغداد و سپس در افریقا و اسپانیا

(آندلس) افتتاح شدند. در این فرآیند، خلفای فاطمی که مخالف عباسیان بودند، توانستند گام‌های موثری را در حوزه تأسیس کتابخانه‌ها و مدیریت آن‌ها بردارند. (Nakhlu Zatul Akmam, A.T.M. Shamsuzzoha:p21-32)

فاطمیان که مخالف عباسیان بودند، توانستند کتابخانه‌های عمومی متعدد و کتابخانه پادشاهی را تأسیس نمایند. این کتابخانه‌ها چندین وظیفه اصلی از جمله: جمع‌آوری کتاب، سیستم محافظتی، ترجمه، فهرست‌نویسی و تصحیح و تحقیق کتابهای موجود در کتابخانه را بر عهده داشتند. در کنار این وظایف، استخدام، ارتقاء، مدیریت آرشیوها، و سیستم مدرن بودجه‌بندی از وظایف برجسته در مدیریت این مراکز بود. کتابخانه فاطمیان بطور اساسی زمانی به دوره اوج و شکوفایی رسید که یک شعبه از آن در قاهره افتتاح شد. بعد از این، مخالفین جدی آنها یعنی عباسیان سیطره خود را بر روی علم و دانش رواج دادند و بدین گونه دانش و علم فاطمیان را نیز در برگرفت. در نتیجه، فاطمیان به سراغ افتتاح و تأسیس کتابخانه خود رفتند (Nakhlu Zatul Akmam, A.T.M. Shamsuzzoha:p21-32).

در باب کتابخانه‌های فاطمیان، ابن طویر می‌گوید: از شگفتی‌های دنیاست و می‌گویند در تمام جهان اسلام، کتابخانه‌ای بزرگتر از کتابخانه قاهره که در قصر قرار دارد، نیست... و گفته می‌شود که ششصد و یک هزار کتاب دارد و از خطوط منسوب به صاحبانش در آن بسیار هست. (ابن الطویر؛ ۱۹۹۲، ص ۱۱۰؛ قلقشندی، ۱۹۱۲: ص ۴۸۳)

توصیف شگفت‌انگیز دیگری هم درباره کتابخانه قصر وجود دارد که صاحب «الذخائر و التحف» که در سال‌های بین (۴۵۹ و ۴۶۱ ق) در مصر بوده نقل کرده است. وی بعد از توصیف می‌افزاید: بیشتر کتاب‌های این خزانه به هنگام سلطه یافتن ترکان بر قاهره، در دوران المستنصر از بین رفت و به جای حقوق و مستمری، مورد استفاده ترکان قرار گرفت (رشید بن الزبیر، ۱۹۵۹: ص ۲۶۲؛ مقریزی، ۱۹۶۷-۱۹۷۳: ج ۱، ص ۴۰۸).

در اواخر دوران فاطمیان، ابن طویر، تصویر دقیقی از ترتیب و تنظیم این کتابخانه به دست می‌دهد بر اساس گفته‌ی وی، این کتابخانه دارای چندین طاقچه بود که دور تا دور جایگاه ویژه کتب، قرار گرفته بودند. این طاقچه‌ها با تیغه‌هایی که دارای درهای قفل و بنددار بودند از هم جدا می‌شدند.

شدند در این کتابخانه، از انواع کتب، بیش از بیست هزار کتاب جلددار و اندکی کتابهای بدون جلد، وجود داشت. این کتابها، موضوعات مختلفی داشتند: از قبیل: فقه بر اساس همه مذاهب نحو، لغت، حدیث، تاریخ، سیرت شاهان و اخترشناسی و روحانیات و کیمیا. بر در هر خزانه ای، ورقه ای اتصال داشت که محتویات آنرا توضیح می داد، اما قرآنها در قسمت جداگانه ای، بالای خزانه های کتاب ها قرار ی گرفت. در این کتابخانه، صندوقچه هایی محتوی خطوط ابن مقله و ابن بواب و دیگر خوشنویسان مشهور وجود داشت (ابن الطویر؛ ۱۹۹۲: ص ۱۲۷؛ مقریزی، ۱۹۶۷-۱۹۷۳: ج ۱، ص ۴۰۹). همانگونه که اشاره کردیم، علم و دانش در دوران خلافت فاطمیان بر مصر، به سرعت در سرتاسر امپراطوری فاطمی گسترش یافت. برای حفظ این روند از یادگیری، باید کتب فراوانی روانه بازار می شد. برای پاسخ گویی به این حجم از تقاضا، حاکمان فاطمی و اشراف و دوستان علم و کتاب، مجموعه هایی از چندین نوع کتاب را جمع آوری کردند. احمد شلبی می گوید که حاکمان فاطمی، علاقه بسیار زیادی داشتند تا انواع کتاب های مختلف را برای کتابخانه سلطنتی خود جمع آوری کنند برخی نیز گفته اند که العزیز خلیفه فاطمی، کتابهای ادبی، الهیات و علوم مختلف بسیاری را از قلمرو خود و سراسر جهان جمع آوری کرده بود. (Nakhlu Zatul Akmam, A.T.M. Shamsuzzoha:p21-32) از نکات قابل توجه در کتابخانه های فاطمیان بحث ترجمه است. ترجمه در کتابخانه های فاطمی، به عنوان یک بخش مهم و ویژه در توسعه علم و مدیریت آغاز شده بود. این بخش، با الگو برداری از بیت الحکمه خلیفه عباسی مأمون تأسیس شد. در اینجا کتب زیادی در حوزه های داروسازی، ادبیات، فلسفه و نجوم از سرتاسر جهان جمع آوری و به عربی ترجمه می شد. این کتابهای ترجمه شده، بر اساس ارزش، دارای صحافی و جلد زیبا بودند. اس. ام. امام الدین می گوید؛ اگر چه در آنجا هیچ بخش چاپ و ماشین های مدرن چاپ وجود نداشت، بسیاری از کتاب های مهم و اسناد ترجمه شدند، همراه با این، هنر کتابت و خوشنویسی در حد بسیار زیادی توسعه و گسترش یافت. استاد و خطاط معروف ابن ندیم (نویسنده کتاب الفهرست) و زندگینامه نویس مشهور، یاقوت، در کتابخانه فاطمی به عنوان مترجم کار می کردند. در این کتابخانه یاقوت ابن عدی نصرانی (متوفی ۹۷۴) هر روز، ۱۰۰ صفحه ترجمه و دو رونوشت از تاریخ مشهور طبری را آماده می کرد. در کنار این، او هشت

رونوشت از روی قرآن کریم انجام داده بود. همچنین ذکر شده است که ابوبکر دقاق به عنوان مترجم و مولف در این کتابخانه کار کرده است. (Nakhlul Zatul Akmal, A.T.M.)
(Shamsuzzoha:p21-32)

نتیجه گیری

همانگونه که گفته شد؛ فاطمیان در حوزه اندیشه دینی با دو رقیب قدرتمند؛ یعنی عباسیان و آل بویه مواجه بودند. از اینرو فاطمیان در کنار تقویت بن مایه های نظامی، مهم ترین تلاش خود را در حوزه فعالیت تبلیغی داعیان و تقویت فعالیت های علمی و فرهنگی که مروج مسلک فاطمیان باشد، قرار دادند. یکی از مهم ترین کانون های علمی و فرهنگی که بصورت مستقیم در خدمت نهاد دینی قرار گرفت، دارالحکمه بود. هدف خلیفه از ایجاد این موسسه فاطمی آن بود که با دادن آزادی ابراز عقیده به پیروان اهل سنت که اکثریت مصریان را تشکیل می دادند، از شدت اعتراضات آنان کاسته و سیاست تساهل و تسامح دینی را در پیش گیرد. در واقع یکی از دلایل تاسیس این مرکز مماشات با عقاید اهل سنت بود. بدین صورت که آنها می توانستند آزادانه در این مکان اظهار نظر کنند. اگرچه بعد از مدتی این هدف تعقیب نشد. با این حال، این مرکز، نهادی برای تربیت فقهای اسماعیلی و مرکزی برای طرح ریزی و تدوین مواد تبلیغی مذهب اسماعیلی و سازماندهی دعوت نیز به شمار می رفت. با تاسیس دارالعلم بسیاری از پیشوایان علمی و مذهبی از جامع الازهر کناره گیری کردند و به دارالعلم پیوستند. این مسئله موجب برتری موسسه نویندارالعلم بر جامع الازهر گردید. با مقایسه دروس تدریسی در دو مرکز این تفاوت را می توان قائل شد که آن دسته از طلبه هایی که به مباحث فقهی و علوم لسانی و شرعی علاقه مند بودند، در الازهر تحصیل می کردند و آنانی که به درک و فهم و فلسفه و جنبه های باطنی مذهب تمایل داشتند در دارالعلم درس می خواندند. یکی دیگر از مراکز علمی و فرهنگی در خدمت اندیشه دینی فاطمیان، خانه علما بوده است. علمایی که به آموزش و مسائل فرهنگی اهمیت فراوان می دادند در منازل و خانه های شخصی شان به تدریس علوم و تربیت شاگرد و گردهمایی دانشجویان و فرهنگیان اقدام می نمودند. بیشتر داعیان فاطمی از علما و بزرگانی بودند که همراه با تبلیغ مذهب اسماعیلی، اصول فقه و مبانی اعتقادی اسماعیلی را به طلاب آموزش می دادند، و بدین سبب طالبان این علوم را به خانه های خود دعوت می کردند و کرسی درس و بحث داشتند. قصر خلفا و اشراف و بزرگان همچون مدرسه در خدمت اندیشه دینی فاطمیان بود. به عنوان مثال؛ مجالس الحکمه به طور عمده در قصر خلیفه، در یکی از اتاق های کاخ برگزار می شد. قاضی نعمان این

مجالس را خود و ظاهراً بعد از مجالس عمومی مربوط به ظاهر در مسجد، اداره می کرد. همه تقریرات و تعلیمات او نخست در این مجالس، به تصویب و تأیید امام و خلیفه می رسید. کتابخانه های فاطمیان هم با داشتن امکانات رفاهی بسیار، طلاب زیادی را از اقصی نقاط جهان اسلام جذب می کردند. این نهاد با داشتن حجم گسترده ای از منابع مختلف و امکانات رفاهی، زمینه بسیار مساعدی را برای ترویج اندیشه های دینی در اختیار فاطمیان قرار داده بود.

منابع و مأخذ

- ابن الصیر، ابوالقاسم علی، (۱۹۹۰). القانون فی دیوان رسائل و الاشارة الى من نال الوزاره، ایمن فواد سیدف قاهره، الدار المصریه اللبنانیه.
- ابن الطویر؛ ابومحمد المرتضی عبدالسلام بن الحسن الفهری القسری، (۱۹۹۲). نزّهه المقلّتين فی اخبار الدولتين، ایمن فواد سید، النشرات الاسلامیه، شتوتجرات.
- ابن خلّکان، شمس الدین ابوالعباس احمد بن محمد، (۱۹۶۲-۱۹۷۲). وفيات الأعیان وأنباه انباء الزمان، تحقیق احسان عباس.
- ابن میسر، محمد بن علی بن یوسف بن جلب، (۱۹۱۹). اخبار مصر، اعتنی بتصحيحه هنری ماسیه، القاهره: مطبعة المعهد العلمی الفرنسی.
- انطاکی، یحیی بن سعید، (۱۹۹۰). تاریخ الانطاکی، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، طرابلس.
- باشامبارک، (۱۹۸۰ م.). الخطط التوفیقیة الجديدة لمصر القاهرة ومدنها وبلادها القديمة والشهيرة، قاهره: التراث.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۷). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
- حافظ السلفی، (۱۴۱۴ق- ۱۹۹۳ م.). معجم السفر، تحقیق عبدالله عمر البارودی، بیروت: دارالفکر.
- د اچ بایارد، دانشگاه الازهر؛ (۱۳۶۷). تاریخ هزار سالع تعلیمات عالی، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدونی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دفتری، (۱۳۸۶). تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: نشر فروزان روز.
- خضر احمد، عطاءالله، (بی تا). الحیاء الفکریه فی مصر فی العصر الفاطمی، قاهره: دارالفکر.
- رشید بن الزبیر، رشیدالدین ابوالحسین احمد بن علی بن ابراهیم الاسوانی، (۱۹۵۹). الذخائر و التحف، تحقیق محمد حمیدالله، کویت: سلسله التراث العربی.
- شیرازی، المؤید فی الدین هبه الله. (۱۹۹۶). دیوان المؤید فی الدین داعی الدعات، تقدیم و تحقیق محمد کامل حسین، بیروت: دارالمنتظر.
- عدنان، محمد عبدالله، (۱۹۵۸). تاریخ الجامع الازهر، القاهره.

- عش، یوسف، (۱۳۷۲). کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی (بین النهرین ، سوریه و مصر) ترجمه اسدالله علوی، مشهد: استان قدس رضوی.
- قلقشندی، شهاب الدین ابوالعباس احمد بن علی، (۱۹۱۲). صبحی الاعشی فی صناعه الانشاء، قاهره، طبعه دارالکتب المصریه.
- کامل حسین، محمد، (بی تا). فی أدب مصرالفاطمیه، دارالفکر العربی.
- مقریزی، الخطط، (۱۹۶۷-۱۹۷۳). اتعاض الحنفاء بالاخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، تحقیق محمدحلمی محمد احمد، ج ۱، ص ۳۴۱، القاهره: المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، (۱۲۷۰ ق.). الواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، بولاق.
- ورنالکم، (۱۳۸۳). خاطرات یک مأموریت (سیره دانشمند، سیاست مدار و شاعر اسماعیلی)، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: نشر فرزاد.
- یاقوت الحموی، (۱۹۹۳ م.). معجم الادباء إرشاد الأریب الی معرفه الأديب، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- بادکوبه، هزاره و فضل، (۱۳۸۷). عوامل ناکامی مراکز رسمی آموزشی، تبلیغی فاطمیان در گسترش مذهب اسماعیلی در مصر، نیمسال نامه تخصصی تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره هشتم.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۵). ساخت، کارکرد و تحول نهاد دعوت فاطمیان مصر، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۱، پاییز.
- جودکی، حجت الله، (۱۳۷۶). نیاز فاطمیان به ساختن مهدیه، نامه پژوهش، بهار، شماره ۴.

-Nakhlul Zatul Akmal, A.T.M. Shamsuzzoha, (2012-2013). Fatimid

Library: History, Envelopment And Management: Journal of the
Bangladesh Association of Young Researchers (JBAYR), 2(1), pp21-32 .

